

بایسته‌های علمی در آینده پژوهی مهدوی

حامد پوررستمی*

چکیده

«آینده پژوهی»، هنر شکل دادن به آینده است؛ به آن شکل که آینده را می‌خواهیم. آینده‌شناسی از این منظر، دانش شناخت تغییرات است و شناخت آینده از حیاتی‌ترین علوم مورد نیاز هر انسانی است. در اسلام، «مهدویت»، قلب تپنده تحقیقات آینده محور، است و آینده پژوه مسلمان نمی‌تواند در تحقیقات خود از ظرفیت‌ها و آموزه‌های فرهنگ مهدوی بهره نبرد؛ اما این عرصه، دارای الزامات و بایسته‌های پژوهشی ویژه‌ای است. به نظر می‌رسد این بایسته‌ها در سه حوزه بایسته‌های نظری، مانند (۱) مثبت اندیشی امیدوارانه؛ (۲) نگاه کیفی به ظهور، نه کمی؛ بایسته‌های روشی، مانند (۱) مکانیسم پیش بینی آینده؛ (۲) حکومت طمانینه شرعی در فرایند و استنتاجات تحقیق و بایسته‌های تبلیغی، مانند (۱) تبیین مبانی فکری و مواد معرفتی دکتترین مهدویت و ارائه شاخصه‌های حق و باطل؛ (۲) نمایاندن کارکردهای جامعه مهدوی قابل بررسی باشند که در این مقاله به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود. واژگان کلیدی: آینده پژوهی، مهدویت، بایسته‌های پژوهشی، بایسته‌های نظری، بایسته‌های روشی، بایسته‌های تبلیغی.

* استادیار گروه شیعه‌شناسی دانشگاه تهران - پردیس فارابی؛ purrostami@ut.ac.ir

مسئله آینده و پرداختن به آن، زمانی مطرح شد که وضع موجود اجتماع در ابعاد گوناگون مورد انتقاد قرار گرفت و به طور طبیعی امید به منجی و مصلح پدید آمد. فلسفه‌های آینده‌نگر، ناظر به جامعه و دولتی هستند که در آینده‌ای نه چندان مشخص، ظهور پیدا می‌کند و ویژگی آن‌ها نیز عموماً اصلاحگری و ایجاد شرایط بهینه است. مهدویت و انتظار در اسلام نیز بر اصول و دلایل خاص مبتنی است. وجود جور و ستم، رسیدن به جامعه ایده‌آل در زمینه‌های گوناگون، اجرای عدالت و رشد و رفاه به طور مساوی؛ مسائلی است که در اسلام مورد بحث قرار گرفته است. آنچه اعتقاد به انتظار و مهدویت در اسلام را از سایر ادیان و مکاتب جدا ساخته، نگاه پویا و مستمر به ولایت الهی است که در نظام هدفمند خلقت از عصر آدم علیه السلام تاکنون ترسیم شده است. مکاتبی که در پی طرح وایده نوین در مهدویت هستند، به این مسئله توجه دارند (مرکز جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام، imamalmahdi.com).

اصل بحث آینده‌نگری، عموماً و بحث آینده‌نگری مثبت، خصوصاً؛ از جمله مباحث ضروری برای بحث منجی‌گرایی است. یعنی در این زمان، بحث آینده‌نگری بحثی انتخابی نیست؛ بلکه بحثی ضروری است و در واقع با طرح مباحث آینده‌نگری و بالاخص بحث آینده‌نگری مثبت، علاوه بر شناخت کامل آینده و فراسوی، می‌توان به مدیریت و هدایت آینده و فرجام تاریخ دست یافت. از این رو مباحث آینده‌نگری در این زمان بحثی ضروری است که شناخت و مدیریت آینده، متفرع بر آن است.

درواقع آینده‌نگری، کار فکری منتظمی است، مشتمل بر نگاه کردن به سوی آینده‌ای نه چندان نزدیک، به منظور پیش‌بینی آن (آلن پیرو، ۱۳۷۰: ۳۰۹). به عبارت دیگر، تجزیه و تحلیل آن چه در گذشته جریان داشته و نیز شناخت وضع موجود، همچنین قابلیت‌ها و امکانات؛ تصویری کمی و کیفی از پدیده‌های مورد بررسی را در آینده دور یا نزدیک به دست می‌دهد (پولاد دژ، ۱۳۶۷: ۱۳).

بشر در طول تاریخ، همواره شاهد آینده‌شناسی دینی بوده است. این نوع آینده‌شناسی، با

نگاهی روشن و جامع به کل تاریخ بشر، آینده‌ای محتوم و فراگیر را برای بشر ترسیم می‌کند. مهم‌ترین بعد آینده‌شناسی اسلام و در واقع فرجام تاریخ، «آموزه مهدویت» است. این آموزه، پاسخگوی بسیاری از دغدغه‌ها و مشکلات و سؤال‌های بشر در طول تاریخ و چشم‌اندازی الاهی و ایمانی به جامعه‌ای مطلوب و آرمانی است (کارگر، ۱۳۸۸: ۶۸).

اهمیت

«آینده‌پژوهی»، هنر شکل دادن به آینده است؛ به آن شکل که آینده را می‌خواهیم. به باور برخی، کسانی که این دانش را در دست دارند، هم‌اکنون به آینده جهان، به دلخواه خود، شکل می‌دهند. می‌توان کشورها و جوامعی را دید که نتوانستند خود را با تحولات سازگار کنند و از این جهت، از هم فروپاشیدند. آن‌ها ذات تغییر را درست نشناختند. آینده‌شناسی از این منظر، دانش شناخت تغییرات است و شناخت آینده از حیاتی‌ترین علوم مورد نیاز هر انسانی است. لاس‌ول، پنج کارکرد عمده را برای حوزه آینده‌پژوهی برمی‌شمارد: توصیف هدف‌ها و ارزش‌ها؛ توصیف روندها؛ تبیین شرایط حاکم؛ تصویرپردازی آینده‌های ممکن و محتمل با توجه به ادامه شرایط و ابداع، ارزیابی و گزینش سیاست‌های بدیل، با هدف دستیابی به آینده مطلوب (ر.ک: چپستی و چرایبی مطالعات آینده، پایگاه اینترنتی آینده‌پژوهی <http://www.ayandehpajoohi.com>). این کارکردها و نقش آفرینی‌ها، بر اهمیت دانش آینده‌پژوهی بیش از پیش افزوده است.

دیگر آن که تغییر و تحول، یکی از پدیده‌های عادی در جامعه شده و روندی پیوسته و طولانی دارد. دگرگونی در همه زمینه‌ها، از گذشته تا حال و آینده امتداد داشته و خواهد داشت. آینده‌نگری در حقیقت، پاسخی خردمندانه و حکیمانه به چالش‌های پدید آمده در پی دگرگونی‌هاست؛ چنان‌که کنجکاوی و نگرانی انسان درباره سرنوشت خود در آینده، از مهم‌ترین دلیل‌های ضرورت آینده‌پژوهی است (منطقی، ۱۳۹۰: ۵۹). اما چگونه باید به پیشواز آینده رفت و چگونه می‌توان رفتارهای پیش‌دستانه داشت و چه سان می‌توان برای رخدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر آماده شد؛ حال آن که اگر رویدادی غیر منتظره باشد، بدشواری می‌توان برای

رویاری با آن آماده شد؛ زیرا در حقیقت، نمی‌دانیم آن «رویداد» چیست. بدون تردید این دانش همانند دیگر علوم، دارای الزامات و بایسته‌هایی است تا در فرایندهای علمی و استنتاجات تحقیقی آن، خبط و انحراف پیش نیاید. از این رو، پرداختن به بایسته‌های علمی آینده‌پژوهی، بخصوص با رویکرد مهدویت و انتظار، انتظارات خاص خود را طلب می‌کند.

در حال حاضر، آینده‌پژوهی به عنوان رشته‌ای دانشگاهی، در بیش از شصت دانشگاه معتبر دارای کرسی است و نهادهای فراملی آینده‌پژوهی در طراحی و تدوین نقشه راه و پیش‌بینی آینده، جایگاهی در خور و سزاوار دارند. چاپ و انتشار هزاران مقاله و نوشتار در حوزه آینده‌پژوهی نیز گواهی بر این مدعاست. برای مثال، در سال ۲۰۰۱، میشل ماری-ین در فصلنامه پیمایش آینده، چکیده سه هزار کتاب، گزارش و مقاله برگزیده حوزه آینده‌پژوهی را منتشر ساخت که در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ میلادی به رشته تحریر در آمده بودند؛ حال آن که سی سال پیش از این، آثار در خور توجه در فهرست ماری-ین از رقم یکهزار و هفتصد تجاوز نمی‌کرد. این پیشرفت و افزونگی گویای روند رو به گسترش و فراگیری آینده‌پژوهی است. اینک پژوهش در حوزه آینده، به شیوه‌ای فزاینده، تصمیم‌ها و سیاست‌های عمومی را متأثر ساخته است و بسیاری از سازمان‌های آینده‌پژوهی می‌کوشند عرصه‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را هدف تلاش‌های خود قرار دهند و برای بهره‌مندی بیش‌تر از کسب و کار خود، آینده‌پژوهی را به خدمت گیرند (ر.ک: چیستی و چرایی مطالعات آینده، پایگاه اینترنتی آینده‌پژوهی <http://www.ayandehpajoohi.com>)

در اسلام، «مهدویت»، قلب تپنده تحقیقات آینده‌پژوهی، است. در هم تنیدگی فرهنگ انتظار مهدوی با آینده‌نگری بر کسی پوشیده نیست. آینده‌پژوه مسلمان نمی‌تواند در تحقیقات خود از ظرفیت‌ها و آموزه‌های فرهنگ مهدوی بهره نبرد؛ زیرا در صورت نادیده گرفتن این بخش، قلب تپنده تحقیقات خود را از کار بازداشته است و طبعاً موجبات نادیده گرفتن تحقیقات خود را رقم خواهد زد. این مهم، رعایت بایسته‌های تحقیقی را بیش‌تر می‌طلبد. به نظر می‌رسد این بایسته‌ها در سه حوزه بایسته‌های نظری، بایسته‌های روشی و بایسته‌های تبلیغی قابل بررسی باشند که به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود:

بایسته‌های نظری

مثبت اندیشی امیدوارانه

در جامعه، «انتظار»، نگرشی مثبت به آینده جهان است که منتظر را به‌رغم همه شداید و مصایب، امیدوار نگه می‌دارد. فرهنگ انتظار، روح امید را در ذهن و در نگاه و بینش انسان منتظر می‌پروراند؛ یعنی مجموعه تفکرات، انگیزه‌ها، عادات، رفتار و روابط شخص که به نحو مثبت و فعال سامان می‌یابد. اساساً «انتظار» از نظر دین و مذهب به معنای «امیدواری» است؛ امید به آینده‌ای نویدبخش و سعادت آفرین؛ امید به آینده‌ای که در آن، بشر راه خیر و صلاح را در پیش گیرد و دنیا در پرتو تحقق عدل الهی، به مدینه‌ای فاضله تبدیل گردد (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۰: ۱۸۰-۱۹۲).

آینده‌نگری که به معنای معطوف ساختن نگاه فرد و جامعه به آینده است، با سه رویکرد توجیه می‌شود:

- ۱- آینده‌نگری اکتشافی: توصیفی از آینده را فراسوی انسان قرار می‌دهد.
- ۲- آینده‌نگری هنجاری: الزاماتی را تعیین می‌کند تا انسان به آینده مطلوب برسد.
- ۳- راهبردهای آینده‌نگری: راهبردهای معطوف به آینده که کیفیت رسیدن به آینده، همراه با ابزار مناسب را فراسوی بشر قرار می‌دهد (ملکی‌فر، ۱۳۸۵: ۷).

آینده‌پژوهی در هر سه رویکرد مذکور، باید با نگرش ایجابی و مثبت همراه باشد؛ بدین معنا که روح امید و نگرش مثبت به آینده همواره باید بر پژوهش‌ها و پژوهشگرهای مهدوی استوار باشد. بدون تردید، تحقیق و اثر، حاصل تراوش روح و فکر محقق است و پیام‌ها از ذهن نویسنده به متن و از متن به ذهن مخاطب انتقال می‌یابد. آینده‌پژوه همواره باید این پیام را به مخاطب انتقال دهد که آینده از آن صالحان و نیکان بوده و در نتیجه فرجامی نیک خواهد داشت. از دید برخی، این موضوع نه تنها مؤید نقلی دارد، بلکه امری فطری است. با این تقریر: (۱) آینده مثبت، مطلوب و منظور همه انسان‌ها بوده و خواهد بود و نیز انسان‌ها بدون تعلیم، به آن رسیده‌اند. (۲) هر چه مطلوب همه انسان‌ها باشد و نیز بدون اکتساب در وجود آن‌ها تحقق یابد، فطری به شمار می‌آید؛ در نتیجه آینده مثبت که مطلوب و منظور

انسان‌ها است، از امور فطری است (الهی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۸۱).

علاوه بر بیان مذکور، جهان آفرینش تا کنون شاهد نظام حکومتی برین نبوده و جوامع انسان‌ها به جامعه ایده‌آل نایل نشده‌اند؛ یعنی به هدف خلقت خویش بارنیافته‌اند. البته در این راه، راهیان کوی حق، قربانی‌های فراوان نثار کرده‌اند؛ ولی هدف عمومی آفرینش حاصل نشده است. اسلام برابر اصول مسلم خود، چنین نوید می‌دهد که حکومت پهنه زمین و گستره زمان آینده، به دست وارستگان آزاده از هر گونه رذیلت قرار می‌گیرد؛ تا به ستم ظالمان پایان داده شود؛ زمین از تباهی طاغیان تطهیر گردد؛ طبقه محروم از فقر رهایی یابد و شکمبارگی مترفان فراموش گردد:

و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص: ۵) و: أَنْ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. (انبیاء: ۱۰۵).

عدم توجه به این مهم، به تدریج روح یأس و ناامیدی را در پژوهش‌ها حاکم می‌کند و به تبع آن، جامعه هدف را تحت تاثیر قرار می‌دهد و چه بسا ممکن است حاکمیت یأس را در آینده پژوهان مسلمان نهادینه کند.

نگاه کیفی به ظهور نه کمی

روح پژوهش‌های آینده محور با رویکرد انتظار، بایستی بر این ویژگی مبتنی باشد که فرایند تحقق آینده درخشان و آرمانی مهدوی در گرو سپری شدن کمی زمان نیست؛ بلکه مهم، تحقق شرایط کیفی است؛ ولو این شرایط یکباره و ناگهانی ایجاد شود. به عبارت دیگر، انتظار ظهور حجت در آینده‌ای نامشخص، هم بیم‌دهنده است و هم نویدبخش. بیم‌دهنده است؛ زیرا منتظر بر این اندیشه است که شاید ظهور، همین سال، همین ماه، یا همین روز، رخ دهد؛ پس، باید برای حضور در پیشگاه حجت خدا و ارائه اعمال خود به آن حضرت آماده باشم؛ و نیز امیدبخش است؛ چرا که منتظر می‌اندیشد شاید در آینده‌ای نزدیک ظهور رخ دهد و سختی‌ها و مشکلات او به پایان برسد و لذا باید پایداری و مقاومت ورزید و نباید تسلیم جریان‌هایی گردید که در پی غارت سرمایه‌های ایمانی و اعتقادی‌اند. با توجه به مطالب یاد شده، می‌توان گفت تعیین زمان برای ظهور، برخلاف مفهوم و فلسفه انتظار است و چه بسا

منتظر را به سستی و یا ناامیدی بکشد؛ زیرا وقتی گفته شود تا فلان زمان مشخص (هر چند آینده‌ای نه چندان دور) ظهور به وقوع نخواهد پیوست؛ به طور طبیعی به سکون و رکود دچار می‌شویم و به این بهانه که هنوز تا ظهور فاصله داریم؛ از به دست آوردن آمادگی لازم برای ظهور خودداری می‌کنیم.

از سویی دیگر، اگر ظهور به هر دلیل در زمانی که به ما وعده داده شده است، رخ ندهد؛ به ناامیدی و یأس دچار می‌شویم و چه بسا در اصل اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان نیز تردید حاصل شود. در بسیاری از روایاتی که از پیامبر گرامی ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام نقل شده، این نکته مورد تأکید قرار گرفته که ظهور همانند قیامت، ناگهانی و غیرمنتظره فرا می‌رسد و زمان آن را هیچ کس جز خداوند حکیم نمی‌داند؛ از جمله در روایتی که امام رضا علیه‌السلام به واسطه پدران بزرگوارش از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند، چنین آمده است:

به پیامبر ﷺ عرض شد: ای رسول خدا! آن قائم که از نسل شماست، چه وقت ظهور می‌کند؟ آن حضرت فرمود: ظهور او مانند قیامت است. تنها خداوند است که چون زمان ظهورش فرا رسد، آشکارش می‌سازد. فرا رسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است. جز به ناگهان بر شما نیاید^۱.

امام باقر علیه‌السلام نیز در تفسیر این آیه شریفه هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَهَا يَشْعُرُونَ؛ آیا چشم به راه چیزی جز آن ساعتند که ناگاه و بی خبرشان بیاید؟! (زخرف: ۶۶)؛ می‌فرمایند: مراد از ساعت، ساعت قیام قائم ﷺ است که ناگهان، برایشان رخ دهد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴: ۱۶۴)^۲.

حضرت صاحب‌الامر ﷺ نیز در یکی از توقیعات خود بر این نکته تأکید می‌ورزند که ظهور، ناگهانی و دور از انتظار فرا می‌رسد:

۱. أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ: مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ قَالَ «مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ لَا يُجَلِّبُهَا لَوْفَتِهَا إِلَّا هُوَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ تَقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»، (اعراف: ۱۸۷) (صدوق، محمد بن علی بن الحسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲: ۳۷۳).

۲. «هِيَ سَاعَةُ الْقَائِمِ ﷺ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً».

فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتَةٌ فُجَاءَةٌ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَى حَوْبَةٍ؛
فرمان ما به یکباره و ناگهانی فرا می‌رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای
کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه، کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد.
(طبرسی، ۱۳۶۸: ج ۲: ۴۹۸).

این دسته از روایات، از یکسو هشدار می‌دهد که در هر لحظه، برای ظهور
حجت حق آماده باشند و از سویی دیگر، تذکری است به همه کسانی که در پی تعیین وقت
برای ظهورند^۱. از این رو، موضوع تعیین وقت برای ظهور امری مذموم و نادرست است.
همچنین وجهی ندارد اگر امر ظهور را به سپری شدن دوران و زمان معین منوط کنیم.

بایسته‌های روشی:

مکانیسم پیش بینی آینده

پیش‌بینی حوادث آینده یکی از مباحث مهم و مطرح در موضوعات آینده‌پژوهی است.
سوالات ذیل همواره فراروی ذهن پژوهشگران بوده و می‌باشد: آیا بشر می‌تواند فردا و
فرداهای خویش را پیش‌بینی کند؟ آیا پیش‌بینی بشر در این مورد، دقیق و قابل اعتماد است؟
آیا برای پیش‌بینی دقیق و قابل اعتماد، می‌توان دلیل و برهان اثباتی ارائه داد؟ برخی همچون
پوپر بر این باورند که نه در باره روند حرکت و تحول جامعه و نه در باره جریان تاریخ، به هیچ
وجه نمی‌توان به تعمیم‌های کلی یا پیش‌بینی‌های آینده‌نگرانه دست زد. حوادث تاریخی
ماهیتاً غیر قابل پیش‌بینی هستند. شاید بتوان بر اساس بعضی قراین و امارات و موارد تجربی
و جریان‌های رخ داده مشابه، به پیش‌بینی و یا ترسیم برخی موارد مشابه دیگر اقدام کرد؛
ولی پیش‌بینی سیر دقیق حوادث تاریخی و نتایج آن‌ها، به طور ماهوی امری ناشدنی است
(تاج بخش، ۱۳۷۶: ۵۷).

روش نخست در پیش‌بینی حوادث فراروی، «آینده‌پژوهی نقل‌گرایانه» است؛ بدین معنا

۱. ر.ک. ابراهیم شفیع سروستانی، پیشگویی‌ها و آخر الزمان، جلد ۱ و ۲، ۱۳۸۵، تهران، نشر
موعود عصر^ع، چاپ دوم، ۱۳۸۷.

که در منابع دینی، انبوهی از رخداد‌های طبیعی و غیرطبیعی و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، به عنوان نشانه ظهور یاد شده‌اند.

نعمانی رحمته‌الله‌علیه، شیخ صدوق رحمته‌الله‌علیه، شیخ مفید رحمته‌الله‌علیه، شیخ طوسی رحمته‌الله‌علیه، و طبرسی رحمته‌الله‌علیه از پیشینیان شیعه و بسیاری نیز از معاصران، اخبار مربوط به نشانه‌های ظهور را در کتاب‌های خود گردآورده‌اند. شیخ مفید رحمته‌الله‌علیه در آغاز «باب علامات قیام القائم علیه‌السلام»، با اشاره به اخبار و آثاری که در این مورد از معصومان علیهم‌السلام رسیده است، بیش از پنجاه نشانه را یاد کرده و علامه مجلسی در بحار‌الأنوار، شمار بیش‌تری را بر آورده است. علمای عامه نیز، از جمله علاء‌الدین هندی، ابن حجر و سیوطی، نشانه‌های ظهور مهدی علیه‌السلام را در کتاب‌های خویش بر شمرده‌اند (متقی هندی، ۱۳۹۹: ۱۸۳). روشن است که درجه اعتبار و درستی همه این نشانه‌ها یکسان نیست. برخی از این نشانه‌ها در منابع معتبر آمده و از جهت سند و دلالت استوارند و برخی در کتاب‌های عامه و منابع دست دوم یاد شده‌اند که اعتبار زیادی ندارند. برخی از این نشانه‌ها، تنها نشانه ظهورند و برخی دیگر، هم نشانه ظهورند و هم علامت برپایی قیامت. برخی نشانه‌های کلی و محوری‌اند و برخی گویای مسائل ریز و جزئی که گاه، همه آن‌ها را می‌توان در عنوان واحدی گرد آورد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۱۸۱ - ۲۷۷، و صدوق، ۱۴۰۵: ۲۸۰ - ۲۸۹). بنابراین، نمی‌توان مشخص کرد که نشانه‌های ظهور چه مقدارند. به فرض مشخص بودن نیز، مهم آن است که فراوانی روایات به ما این اطمینان را می‌دهند که در آستانه ظهور مهدی موعود حوادثی رخ خواهد داد.^۱

اما مکانیسم دیگر در پیش‌بینی حوادث، مکانیسم «آینده‌پژوهی سنت‌گرایانه» است. حضرت علی علیه‌السلام در وصیتی به امام حسن علیه‌السلام فرمودند:

اَسْتَدِلُّ عَلَى مَا لَمْ يَكُنْ بِمَا قَدْ كَانَ فَإِنَّ الْأُمُورَ أَشْبَاهُ حَوَادِثِ آئِنْدَه رَا دِر پِرْتُو حَوَادِثِ گِذْشْتَه بَرَسِي كِن كِه حَوَادِثِ هِمَانْد يَكْدِيگَر اِسْت. (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۱. ر.ک. اسماعیل اسماعیلی، بررسی نشانه‌های ظهور، مجله حوزه، آذر و دی ۱۳۷۴، شماره‌های ۷۰ و ۷۱.

این توصیه، به این نکته اشاره دارد که سلسله قوانین کلی بر جهان هستی و بر جوامع انسانی حکومت می‌کند که هر زمان مصادیقی از آن روی می‌دهد؛ ولی همه آن‌ها مشمول آن قوانین کلی هستند. بنابراین، انسان می‌تواند با مطالعه در حالات پیشینیان و جوامع گذشته و حتی با مطالعه در سنین پیشین عمر خود مسائل مربوط به امروز و فردا را از طریق مقایسه درک کند تا به خطا و اشتباه و زیان و خسران گرفتار نشود. این سخن شبیه چیزی است که امام در خطبه دیگری بیان کرده؛ آن‌جا که می‌فرماید:

عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ الدَّهْرَ يَجْرِي بِالْبَاقِينَ كَجَرِيهِ بِالْمَاضِينَ؛ بندگان خدا! این جهان نسبت به موجودین همان گونه جریان دارد که نسبت به گذشتگان جریان داشت (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷).

و این نکته همان است که در تعبیر روزانه به «تکرار تاریخ» معروف است. با این‌که حوادث و رویدادهای تاریخی به گذشته مربوط است؛ تأثیر آن بر حال و آینده ادامه دارد و نقش تأثیر هر رویدادی را نمی‌توان به زمان و مکانی خاص محدود کرد. به همین دلیل شناخت تاریخ و کشف قانون‌ها و سنت‌های آن به برنامه‌ریزی آینده کمک می‌کند. از این رو می‌توان از سخنان حضرت این نتیجه را گرفت که حوادث و رویدادهای عالم بر اساس سنت و چارچوبی مشخص رخ می‌دهند و پدیداری آن‌ها بی‌جهت و بی‌علت نیست. اگر بتوان ملاک‌ها و علل پدیده‌ها را درست شناسایی کرد، راه برای پیش‌بینی حوادث و اتفاقات فراروی هموار می‌گردد؛ یعنی از آن‌جا که امور عالم مشابه یکدیگرند؛ این امکان وجود دارد که بر اساس آنچه در گذشته اتفاق افتاده است، برای آینده پیش‌بینی داشت و استدلال نمود؛ چرا که امور مشابه، علل و زمینه‌های پدیداری مشابه نیز خواهند داشت.

حکومت طمانینه شرعی، در فرایند و استنتاجات تحقیق

آینده‌پژوهی، با رویکردها و قالب‌های متنوعی قابل پیگیری است. گاهی با رویکرد دینی و گاهی با رویکرد عقلی که معمولا در قالب فلسفه تاریخ دنبال می‌شود. در مواردی نیز این موضوع در قالب علوم غریبه، نظیر رمل، جادو، اسطرلاب، طالع بینی، فال بینی، اختر شناسی و گاه با رویکرد شهودی و عرفانی دنبال می‌شود. گاهی نیز آینده‌پژوهی با رویکرد بشری و

تجربی پی گرفته می‌شود. خلاصه این که آینده نگری با ابزار و رویکردهای گوناگون قابل توجیه است که هر کدام از این رویکردها در ابزار به کار گیری و نوع شناسایی آینده و قطعیت و عدم قطعیت با دیگری متفاوت است. آنچه در این میان حائز اهمیت است، رسیدن به طمانینه علمی و حجت شرعی در تحقیقات است.

«حجت» از حیث لغوی، چیزی را گویند که این صلاحیت را داشته باشد که به وسیله آن بتوان بر امری احتجاج نمود: «كُلُّ شَيْءٍ يَصْلَحُ أَنْ يَحْتَجَّ بِهِ عَلِي الْغَيْرِ وَ ذَلِكَ بَأَنْ يَكُونَ بِهِ الظَّفَرُ عَلِي الْغَيْرِ عِنْدَ الْخُصُومَةِ مَعَهُ»؛ اما اصولیان حجت را چیزی دانسته‌اند که متعلق خود را اثبات می‌کند؛ به طوری که به درجه قطع نرسد (مظفر، ۱۳۷۰: ۵). در حجت باید «منجذبت» و «معذرت» برای فرد رقم بخورد؛ به طوری که در صورت ترک امر مُدْرَك شخص مستحق عقاب بوده و در صورت کاشفیت از خطای در فهم ظاهر که در سیری روشمند صورت گرفته است؛ فرد معذب نباشد؛ چرا که بر اساس فهم و دریافت خود می‌توانست احتجاج کند و برهان اقامه نماید.

هر چند بحث حجیت از مباحث مهم در اصول فقه است؛ منحصر بدان نیست؛ بدان معنا که قواعد و استنتاجات این موضوع در هر علمی، بخصوص علوم دینی باید جاری باشد. در واقع موضوع مباحث «حجیت»، راهیابی و دستیابی به اموری است که این شایستگی و صلاحیت را دارند که بر احکام و معارف دین دلیل و حجت باشند. البته معنای سخن این نیست که به ضرورت، از طریق این ادله همواره می‌توان به عین واقع احکام و معارف دست یافت؛ که اگر چنین شود، نهایت سعادت است؛ ولی نکته این است که اگر فرضاً خطایی صورت گیرد، ما معذور بوده، به دلیل مخالفت با احکام واقعی عقاب نخواهیم شد؛ چرا که در حد توان، تلاش خود را به کار بسته ایم (همان). ما در تحقیقات آینده محور خود بسیار بدین نکته نیاز داریم.

اماره یا حجت، راهی است که مکلف را به کشف حکم شارع می‌رساند که محصول به دست آمده از آن، «ظن» است. البته ظن با اماره مترادف است. ظن معتبر حداقل دارای دو ویژگی می‌باشد:

ویژگی اول: اماره باید ظن نوعی به وجود آورد؛ یعنی به گونه‌ای که برای بیش‌تر مردم ظن‌آور باشد.

ویژگی دوم: حجیت اماره مختص مواردی نیست که یقین حاصل شده است؛ بلکه در مواردی که به یقین هم برسد، می‌تواند از اماره استفاده کند.

در نتیجه محقق باید در ارائه نظریات و یافته‌های خود در حوزه آینده‌پژوهی مهدوی، همواره به اصل حکومت طمانینه و حجیت شرعی توجه داشته باشد و از گمانه زنی و حدس‌گرایی اجتناب ورزد؛ به ویژه آن‌که حوزه مهدویت موضوعی است که از سوی عقیدتی و بنیادین بوده و از سوی دیگر امکان سوء استفاده و برداشت‌های ابزاری و عوام‌فریبانه در آن بیش‌تر است؛ چنان‌که در تاریخ مهدویت چنین امری به چشم می‌خورد.

باید در نظر داشت که انتظار در نگاه اولیه، نوعی پالایش و آمایش درونی است؛ اما با حوزه عمل و رفتار شخص ارتباطی مستقیم دارد. از این روست که در روایات، از انتظار به عنوان یک عمل، بلکه بهترین عمل یاد شده است (صدوق، ۱۴۰۵، ج ۲: ۳۷۷). همچنین حلقه مفهومی و معرفتی اندیشه اجتماعی و سیاسی شیعه با مفاهیمی کلیدی همچون انتظار فرج، مهدویت، تشکیل حکومت جهانی، عدالت، امر به معروف و نهی از منکر شکل می‌گیرد و این مفاهیم اساسی که جزو کلید واژگان اعتقادی شیعه هستند، در برون داد معرفتی خود به تأسیس و ایجاد نهادهای سیاسی و اجتماعی در جهت مفهوم امامت و حرکت دین می‌انجامد. از این رو، همان‌طور که در فقه نباید از مدار و مقام حجیت خارج شد، در موضوعات عقیدتی، از جمله آینده‌پژوهی مهدوی این مهم همواره باید لحاظ گردد.

بایسته‌های تبلیغی

تبیین مبانی فکری و مواد معرفتی دکترین مهدویت و ارائه شاخصه‌های حق و باطل یکی از عوامل زمینه ساز ظهور، ایجاد بیداری عمومی و ارتقای سطح معرفتی افراد است. این‌که امام زمان علیه السلام در کلامی خطاب به محمد بن علی بن هلال کرخی، از جهل و نادانی

برخی ابراز ناراحتی می‌کند؛^۱ می‌تواند در بردارنده این پیام باشد که یکی از وظایف محوری تحقیقات مهدوی و رسانه‌های منتظر و زمینه ساز، باید افزایش بعد معرفتی و دین‌شناختی بندگان خدا باشد. از این رو هر چه پژوهش‌ها و رسانه‌های زمینه ساز، ساز و کارهای توسعه و تعمیق معرفت و عقلانیت را در جوامع هدف بیش‌تر نماید، این موضوع می‌تواند زمینه‌ها را برای خروج از باطل و پذیرش حق و در نتیجه گرایش به منجی سریع‌تر فراهم کند. از این رو می‌بینیم که در اندیشه معمار کبیر انقلاب، امام خمینی علیه‌السلام، بیداری و معرفت بخشی عمومی، اولین گام در تحقق اهداف والا است و پیروزی ملت‌های مستضعف در گرو این مهم قلمداد می‌شود (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۲: ۱۴۱).

در این میان، پژوهش مطلوب می‌تواند با برنامه ریزی منسجم و به کارگیری همه ظرفیت‌ها و امکانات خود، گروه‌های در دام افتاده در اختاپوس دجالیسیم را شناسایی کند و فرهنگ ناب انتظار و فریاد موعود خواهی را به گوش جان آن‌ها بنشاند و با به راه انداختن یک دانشگاه بزرگ، ره گم‌کردگان را ارائه طریق نموده و آن‌ها را به ساحل نجات حقیقت مهدوی رهنمون سازد. این که شبکه اول تلویزیون بی‌بی‌سی انگلیس در برنامه مستندی به نام قرن دوم (در آستانه ورود به قرن ۲۱) چنین خبر می‌دهد: «آنچه در ایران در سال ۱۹۷۹ رخ داد، نه تنها برای ایرانیان، بلکه برای تمام ادیان جهانی نقطه عطفی بود؛ نقطه عطفی که از بازگشت میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا به اصول‌گرایی مذهبی خبر می‌دهد»؛ می‌تواند بر نقش راهبردی جبهه زمینه ساز ظهور و ابزارهای علمی و پژوهشی و رسانه‌ای آن گواهی دهد.

نمایاندن کارکردهای جامعه مهدوی

نمایاندن نقش و کارکردهای تفکر و جامعه مهدوی در خرده سیستم‌های فرهنگ، اقتصاد و سیاست، می‌تواند یکی دیگر از رسالت‌های پژوهش‌های آینده نگر و زمینه ساز باشد. اگر از حیث عقلی و علمی نشان داده شود، تحقق آرمان‌هایی همچون عدالت، امنیت، رفاه است و

۱. «یا محمد بن علی! قد آذانا جهلاء الشیعة وحمقاؤهم، ومن دینه جناح البعوضة أرجح منه» (طبرسی، الاحتجاج، ج ۲: ۲۸۹)، به نقل از: حاجتی، ۱۳۸۱: ۶۵.

تربیت، در گرو کاربست اندیشه‌های مهدوی است این موضوع خود می‌تواند در هدایت فریب خوردگان و به طور کلی افکار عمومی نقش بی‌بدیلی داشته باشد. در واقع از آن‌جا که دجالیسیم، ضد موعود و منجی‌گرایی بوده و قصد تخریب شخصیت موعود اسلام را دارد؛ لازم است در مقابل این پدیده، کارکردهای حکومت منجی‌بیش از پیش به تصویر کشیده شود. به عنوان مثال، آنچه در تبیین و ترسیم اوضاع امنیتی (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۱۴۴) و عدالتی فوق‌العاده حکومت مهدوی (همان: ج ۵۰: ۱۹۴) و همچنین آسایش و رفاه ایده‌آل در حکومت آن حضرت آمده (همان، ج ۵۲: ۱۲۷) و نیز تحلیل عقلانی آن‌ها؛ خود می‌تواند از محوری‌ترین برنامه‌های آینده‌پژوهان مهدوی و رسانه‌های زمینه‌ساز باشد. به هر روی، وصف معقول آرمان شهر حکومت مهدوی، خود شور و شوق تشنگان جامانده از حقیقت و جهانیان محروم از عدالت و معنویت را نسبت به منجی و حکومتش دوچندان خواهد کرد.

اگر انقلاب اسلامی ایران پرتوی از حکومت ناب مهدوی است، پژوهش‌ها و آثار موعود‌گرا می‌تواند تبیین و ترویج کارکردها و پیشرفت‌های انقلاب اسلامی ایران را در راس برنامه کاری خود قرار دهد. این موضوع از آن جهت اهمیت و موضوعیت دارد که جمهوری اسلامی ایران رمز حدوث و بقای خود را در دین و دکتربین مهدوی می‌داند. حتی به عقیده کسانی همچون هاینس جفری در کتاب «مذهب، قدرت نرم و روابط بین‌الملل»، ایران نخستین انقلاب مدونی بود که برتری و تفوق ایدئولوژیکی، اشکال سازمانی هدایت افراد و اهداف مورد ادعایش همه مذهبی بودند که اصول آن برخاسته قرآن و سنت است (محمدی، ۱۳۸۸: ۳۰). نمایاندن پیشرفت و توسعه عدالت محور نظام ولایت فقیه (به عنوان نظام نیابتی امام عصر علیه السلام) در حوزه‌های علمی، عمرانی، نظامی، اقتصادی و... جهانیان را به سوی این حقیقت رهنمون خواهد کرد که حکومت دینی نه تنها با علم و پیشرفت و اخلاق در تعارض نبوده، بلکه اساساً چنین نظامی می‌تواند موجبات تعمیق و توسعه علوم، اخلاقیات و پیشرفت را در جامعه رقم زند. به عنوان مثال، وقتی موسسه بین‌المللی (science-metrixs) ساینس متریکس در گزارش سال ۲۰۱۰ خود، ایران را حائز بالاترین میزان رشد متوسط تولیدات علمی در جهان معرفی کرده و میزان آن را ۱۱ برابر میانگین رشد تولید علم در دنیا اعلام می‌دارد؛

بر عهده پژوهشگران و رسانه‌های زمینه ساز است که از این ظرفیت برای نشان دادن کارکردهای دکتربین مهدوی تلاش مضاعف داشته باشد.

این همه، شور و شوق جهانیان را به انقلاب و مبنای فکری آن، یعنی نظام ولایی مهدویت بیش از پیش نشان می‌دهد. نکته قابل تامل این‌که آینده‌پژوهان و نویسندگان و رسانه‌های زمینه‌ساز، باید این حقیقت را به گوش فریب خوردگان جریان دجالسیم و اساسا به همه جهانیان برسانند که انقلاب اسلامی (با این شاخصه‌های درخشان) تنها پرتو و ذره‌ای از حکومت منجی موعود بوده و خود این انقلاب در انتظار حکومت عظیم دیگری است که از حیث کمی و کیفی بسی بیش‌تر و زیباتر و والاتر از آن خواهد بود.



بر این اساس، امام راحل، ابلاغ دکتربین حکومت ولایی و صدور آن را در میان جهانیان، زمینه ساز ظهور دانسته و می‌فرماید:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت (ارواحنا فداه) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهاد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار داد... باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید؛ ولی این به آن معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است؛ منصرف کند (خمینی،

۱۳۶۱، ج ۲۱: ۱۰۷-۱۰۸).

از این رو آینده‌پژوه مسلمان باید در تحقیقات خود، همواره بعد تبلیغی کار را در نظر داشته باشد و در جهت تبیین مبانی فکری مهدوی و ارائه شاخص‌های حق و باطل و همچنین نمایاندن کارکردهای جامعه مهدوی بنیان، کمر همت بر بندد. بدون تردید اگر اهمیت بایسته‌های تبلیغی پژوهش‌های آینده محور، از بایسته‌های نظری و روشی بیش‌تر نباشد، کم‌تر نیست.

نتیجه

آینده‌پژوهی مهدوی با توجه به اهمیت عقیدتی و دینی آن نسبت به تحقیقات مشابه خود الزامات پژوهشی بیشتری را می‌طلبد.

لازم است در حوزه بایسته‌های نظری، دست‌کم دو اصل (۱) مثبت اندیشی امیدوارانه؛ (۲) نگاه کیفی به ظهور نه کمی؛ مورد نظر آینده‌پژوهان مهدوی قرار گیرد. در حوزه بایسته‌های روشی، اتخاذ دو راهبرد (۱) مکانیسم پیش‌بینی آینده؛ (۲) حکومت طمانینه شرعی در فرایند و استنتاجات تحقیق همواره باید روح حاکم بر آینده‌پژوهی انتظار باشد.

در حوزه بایسته‌های تبلیغی، اصولی همچون (۱) تبیین مبانی فکری و مواد معرفتی دکترین مهدویت و ارائه شاخصه‌های حق و باطل؛ (۲) نمایاندن کارکردهای جامعه مهدوی می‌توانند موجبات غنا، هم‌افزایی و تاثیرگذاری پژوهش‌های مهدوی را دو چندان کنند.

کتابنامه

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
۱. آلن پیرو (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر روحانی، تهران، مؤسسه کیهان.
 ۲. اسماعیلی، اسماعیل (۱۳۷۴). بررسی نشانه‌های ظهور، مجله حوزه، شماره ۷۰ و ۷۱، آذر و دی.
 ۳. الهی نژاد، حسین (۱۳۸۶). آینده نگری و فرجام تاریخ بشر، انتظار موعود، شماره ۲۱، تابستان.
 ۴. پوررستمی، حامد (۱۳۸۹). نقش معناشناسی «دجال» در رسالت رسانه زمینه ساز، فصلنامه مشرق موعود، سال چهارم، شماره ۱۶.
 ۵. پولاد دژ، محمد (۱۳۶۷). آینده نگری رشد و توسعه در سیستم برنامه ریزی، تهران، نشر صنوبر.
 ۶. تاجبخش، احمد (۱۳۷۶). تاریخ و تاریخ نگاری، شیراز، نشر نوید شیراز.
 ۷. حاجتی، میر احمد رضا (۱۳۸۱). عصر امام خمینی علیه السلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۸. خمینی، روح الله (۱۳۶۱). صحیفه نور، تهران، وزارت ارشاد.
 ۹. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۷). پیشگویی‌ها و آخر الزمان، جلد ۱ و ۲، دوم، تهران، نشر موعود عصر علیه السلام.
 ۱۰. صدوق، محمد (۱۴۰۵هـ.ق). کمال الدین و تمام النعمه، قم، موسسه النشر الاسلامی.
 ۱۱. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۶۸هـ.ق). الاحتجاج، جلد ۲، نجف، دارالنعمان.
 ۱۲. ملکی فر، عقیل (۱۳۸۵). الفبای آینده پژوهی، تهران، کرانه علم.
 ۱۳. کارگر، رحیم (۱۳۸۸). آینده پژوهی مهدوی، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۲۸.
 ۱۴. متقی هندی، علی بن حسام (۱۳۹۹هـ.ق). البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، تهران، شرکتة الرضوان.
 ۱۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳هـ.ق). بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء.
 ۱۶. محمدی، یدالله (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی و نقش تاریخ ساز امام خمینی علیه السلام در تولید قدرت نرم، مجموعه مقالات قدرت و جنگ نرم.
 ۱۷. مظفر، محمد رضا (۱۳۷۰). اصول الفقه، جلد ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۱۸. منطقی، محسن (۱۳۹۰). آینده پژوهی، ضرورت آینده مطالعات فرهنگی و علمی، نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی.
 ۱۹. هاشمی شهیدی، سید اسدالله (۱۳۸۰). ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، قم، انتشارات جمکران.

سایت‌ها:

۲۰. پایگاه اینترنتی آینده پژوهی <http://www.ayandehpajoochi.com>

۲۱. پایگاه اینترنتی مرکز جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام <http://www.imamalmahdi.com>



سال سیزدهم / شماره ۴۰ / بهار ۱۳۹۲